



و اما عیسی چون دانست که می‌خواهند بیایند و او را به زور برده، پادشاه سازند، باز تنها به کوه برآمد. یوحنا ۶: ۱۵



تاریخ نویسان یهود در قرن اول دائماً به این موضوع اشاره داشتند که اکثر یهودیان در آن زمان به صورت مشترک تمایل داشتند که تمام سرزمین موعود (اسرائیل) را فارغ از اشغال حکومت روم در اختیار داشته باشند. ما این موضوع را به شکل آشکارا در شورش ناموفق یهودیان در سال ۷۰ میلادی مشاهده می‌کنیم. زمانی که تلاش یهودیان برای به دست آوردن استقلال سیاسی با تخریب معبد اورشلیم توسط روم به اوج خود رسید. اما قیام‌های متعددی توسط یهودیان در طول دوره اشغال علیه روم صورت گرفت. چنین قیام‌هایی به صورت خاص در هنگام عید فصح، تعطیلات مذهبی که با آرمان‌های ملی‌گرایانه توأم شده بود رخ می‌داد. در اولین عید فصح بود که خداوند بنی‌اسرائیل را از اسارت مصر نجات داد و آنها را در مسیر استقلال ملی در کنعان قرار داد. به همین دلیل این عید یک موقعیت بدیهی بود که می‌توانست آرزوهای مشابهی برای آزادی از سلطه روم و رسیدن به حق حاکمیت سیاسی را برانگیزاند و به شعله‌های انقلاب دامن زند.

خوراک دادن به پنج هزار نفر توسط عیسی مسیح در بیابان جلیل در زمان عید فصح صورت گرفت. این اتفاق تمایل جمعیت و تلاش‌شان برای مجبور کردن عیسی به جهت پادشاهی بر آنها را تشدید کرد (یوحنا ۶: ۱-۱۵). عیسی چه کرده بود که آنها را به این فکر انداخت که او می‌تواند نقش فرمانروایی قدرتمند در رهایی‌شان از بندگی سیاسی روم بازی کند؟ به این واقعه توجه کنید: نبی‌ای در بیابان به طرز معجزه‌آسایی نان و غذا برای بنی‌اسرائیل تهیه می‌کند. این کاری است که عیسی در یوحنا ۶: ۱-۱۴ به انجام رساند. همچنین این عمل عیسی، به کار موسی شباهت دارد، بنی‌اسرائیلی تحت رهبری موسی به طور معجزه‌آسایی در بیابان، متناً دریافت کرد (خروج ۱۶). موسی دیگر چه کاری انجام داد؟ او مردم را از زیر سلطه مصر بیرون کشید و آنها را از مسیر بیابان به سرزمینی برد که در نهایت از استقلال سیاسی برخوردار شدند. در اینجا فرصتی برای جمعیت فراهم شده بود که دوباره تحت رهبری یک نبی جدید که دقیقاً مانند موسی بود،

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به انستیتو کتاب مقدس پارسیان است و استفاده از آن بدون ذکر نام ناشر مجاز نمی‌باشد.

یک نجات سیاسی بزرگ را تجربه کنند. مردم نیز قصد داشتند تا آنچه که برای انجام این نجات لازم بود را انجام دهند، حتی اگر مجبور شوند که به زور عیسی را به رهبر شدن وادار کنند.

مشکل آشکار در این طرز تفکر، تصور غلط آنها از رستگار شدن بود که عمدتاً آن را سیاسی می‌دانستند. در حالی که پادشاهی مسیح از این جهان نیست (یوحنا ۱۸: ۳۶). اگرچه پادشاهی او کاملاً هم غیرسیاسی نیست اما نحوه آغاز آن نه با انقلاب خشونت‌آمیز بلکه با مرگ فروتنانه او بر روی صلیب بود، زیرا قوم او پیش از هر نوع نجات سیاسی به کفار احتیاج داشتند. **جان کالوین** درباره این جمعیت چنین می‌گوید: آنها چه نوع پادشاهی را برای عیسی مسیح در نظر گرفته بودند؟ یک پادشاهی زمینی که به کلی با شخصیت و خواست او ناسازگار بود.

عیسی مسیح با توجه به قوانین خود، خداوند و پادشاه ما خواهد بود نه با توجه به خواست‌های ما. ممکن است سعی نکنیم که با خشونت و به زور عیسی را به یک حاکم سیاسی تبدیل کنیم اما هر وقت که گناه می‌کنیم به مسیح می‌گوییم: فقط تا جایی که ما با قانون او موافق هستیم بر ما حکومت خواهد کرد. اگر می‌خواهیم که عیسی مسیح با توجه به خواست و لجاجت‌مان در انجام گناه، خداوند ما باشد، او ما را به عنوان شهروندان خود نخواهد پذیرفت. اگر او را به عنوان خداوند واقعی بشناسیم هنگامی که علیه سلطنتش شورش کنیم، توبه خواهیم کرد.

برای مطالعه بیشتر به این آیات مراجعه کنید «امثال ۱۵: ۳۳، اشعیا ۵۳، متی ۸: ۱۸ - ۲۲، مرقس ۸: ۳۴ - ۳۸».

عیسی مسیح امروز به حضور می‌آیم و از شورش‌هایی که در زندگی بر علیه تو و سلطنت انجام داده‌ام توبه می‌کنم. خداوند اعتراف می‌کنم که در برابر وسوسه شیطان ضعیف هستم و به قدرت روح مقدس نیاز دارم. لطفاً من را هر روز از روح مقدس پر کن و به من قوت بده تا در مقابل وسوسه شیطان ایستادگی کنم. در نام مسیح آمین!



اقتباسی از لیونر مینستری